

## افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

(بخش بیست و دوم)

فصل ششم

### برخی از گروه های تروریستی ساخت پاکستان

#### وحملات آنها علیه افغانستان

تذکر این نکته نیز ضروری است که یک سلسله از "تنظیم" های بنیادگرای مذهبی "دیوبندی" ، " وهابی" و " جهادی"، در سالهای مقاومت ضد روسی مردم افغانستان و حتا پس از آن، غالباً تحت امر و نظارت شبکه استخبارات نظامی پاکستان غرض خرابکاری در هندوستان و افغانستان ایجاد گردیدند. این گروه ها و ساختارهای تروریستی، علاوه از مجموع احزاب و تنظیم های مذهبی یا (سکولار) که از قبل در این کشور وجود داشتند، بصورت خاص توسط شبکه جاسوسی نظامی پاکستان (آی.اس.آی) ورژیم وهابی عربستان سعودی در آن کشور بمیان آورده شدند که همه آنها به نام های مختلف و با پسوند اسلامی، ولی با برنامه مشترک و خط فکری و فزیکتی یکسان علیه هند و افغانستان و حتا ایران فعال هستند که از آن جمله،

میتوان از اینها نام بُرد :

### جنبش اجرای شریعت محمدی

این جنبش، درحقیقت یک حرکتِ وهابی - دیوبندی بوده رهبرِ آن تا سال 2010م، ظاهراً شخصی بنام مولانا صوفی محمد بود و بعداً، دامادِ وی بنام " مولانا فضل الله " که در مناطق قبایلی، اورا بخاطر تبلیغاتِ مکررِ رادیویی اش، " ملا رادیو" میخوانند، رهبری آنرا بعهده داشته است. جنبشِ متذکره در سال 1992 میلادی تأسیس شد و در منطقه " مالاکنده " و " باجور " پاکستان نفوذ داشته طرفدارِ کاملِ گروه طالبان و خواستارِ تطبیقِ کاملِ شریعت اند.

یکی از مشخصاتِ سیاسی این جنبش، ظاهراً مخالفت با حکومتِ پاکستان و دشمنی با ارزشهای غربی است. افراد " جنبش اجرای شریعت محمدی " گاهگاهی در برخورد های مسلحانه علیه ارتشِ پاکستان در مناطق " مالاکنده " و " سوات " سهم گرفته اند. گفته شده که این تشکیلِ مذهبی - تروریستی حدود پنجهزار عضو دارد. جزئیاتِ امورِ اداری، مالی، اطلاعاتی و ارتباط های خاص و پنهانی این سازمان، هنوز هم پوشیده است و یا لا اقل به اختیار ما نرسیده است.



مولوی صوفی محمد رهبر " جنبش اجرای شریعت محمدی " پاکستان

## حرکت جهاد اسلامی

یک گروه جهادی به رهبری " قاری سیف الله اختر" بوده در اوایل، بنام " جمعیت انصار افغان" یاد میشد، ولی پس از سال 1992م، نام " حرکت جهاد اسلامی " را بخود اختیار نمود. این گروه، دقیقاً بروفق برنامه های استخبارات نظامی پاکستان برضد هندوستان کار میکند، یعنی شدیداً مخالف هندوستان برسر مسأله کشمیر است. حرکت اسلامی مذکور نه تنها علیه هند دست به ترورو تخریبکاری میزند، بلکه علیه هستی و امنیت ملی مردم افغانستان نیز دست بکار است .

یکی از فرماندهان ارشد نظامی این گروه بنام " محمد الیاس کشمیری " یاد میشد و مقام های امریکایی او را بحیث " تروریست انگشت نمای جهان " شناخته و برای سر او مبلغ پنج ملیون دلراجایزه تعیین نموده بودند. این تشکیلات تروریستی، با شبکه " القاعده " رابطه تنگاتنگ داشته و در سالهای زعامت گروه طالبان، نیروهای مسلح زیادی را غرض جنگ و کشتار در افغانستان، در اختیار گروه مذکور قرار داد.

پایگاه و پناهگاه اصلی و اساسی افراد " حرکت جهاد اسلامی " نه تنها خاک پاکستان بوده وهست، بلکه مدتها، در اردوگاه های مربوط به القاعده در خاک افغانستان نیز آموزش می دیدند. جنبش مذکور متهم است که در انفجارهای خونین سال 2006م علیه کنسولگری امریکا در شهر کراچی، در بمب گذاری سال 2007م حیدرآباد که در داخل یک مسجد صورت گرفت، و ده ها رویداد تروریستی دیگر نقش فعال داشته است. باید متذکر شد که به قول خبر گزاری " اسو شیتد پرس "، " الیاس کشمیری " بعداً در سال 1390 خورشیدی، در نتیجه بمباران طیاره های بی پیلوت امریکایی بالای وزیرستان جنوبی، به قتل رسید. این گروه

تروریستی را در برخی نقاط هند و پاکستان و بنگله دیش بنام " هوجی " نیز یاد میکنند .

## جمعیت الانصار یا (حرکت المجاهدین)

این جمعیت، در رابطه تنگاتنگ با سازمان تروریستی " القاعده" به رهبری اسامه بن لادن و شبکه جاسوسی نظامی پاکستان قرار داشته و در اکثر فعالیت های تروریستی در هند و افغانستان منهدم بوده است. رهبری " جمعیت الانصار" که یکی دیگر از تشکیلات " جهادی" پاکستان میباشد، به عهده شخصی بنام " فضل الرحمان خلیل" است. جمعیت مذکور در اوایل، بنام " حرکت الانصار" یاد میشد، مگر پس از آن که مقام های امریکایی آنرا در سال 1997م در لیست سیاه تروریستی درج نمود، برای آنکه به فعالیت های تروریستی اش همچنان ادامه داده بتواند، نام " جمعیت جهاد اسلامی " را برگزید. باز، در سال 2002 میلادی جنرال پرویز مشرف رییس جمهور وقت پاکستان، در اثر فشار های جانب امریکا وبا ملاحظه خود سری های بعضی از شاخکهای آن در منطقه، جمعیت متذکره را از فعالیت های سیاسی ممنوع اعلام نمود. مگر رهبران آن، باردگر، نام اولی (جمعیت الانصار) را برگزیده به فعالیت های تروریستی خویش ادامه دادند.

این تشکیل (سیاسی - نظامی - مذهبی)، همانند تشکیلات همسان وهم قماش خویش، روابط نزدیکی با آی.اس.آی و منابع اطلاعاتی عربستان سعودی ونیز با گروه های تروریستی در منطقه و جهان داشته نقش خویش را در انفجارها و خونریزی های داخل افغانستان نیز ایفا میکند. مرکز اصلی این تشکیل تروریستی، در "مظفرآباد" پاکستان است، ولی بصورت عمده در کشمیر تحت تسلط هندوستان مصروف جنگ علیه نیروهای هندی میباشد. " جمعیت الانصار" در مناطق کشمیر جنوبی، هندوستان و منطقه " دودا " طرفدارانی دارد. منبع تمویل کننده عمده این جنبش، علاوه از شبکه استخبارات نظامی پاکستان، رژیم وهابی عربستان سعودی و شیخ نشین های خلیج فارس نیز میباشد.

## لشکر جهنگوی

این " لشکر " در سال 1996 میلادی اصلاً توسط (آی.اس.آی) و در ظاهر، توسط شخصی بنام " اکرام لاهوری " ایجاد گردید. " لشکر جهنگوی " در واقع، از درون " سپاه صحابه " که در سال 1980م توسط "مولانا حق نواز جهنگوی" تأسیس شد، بعنوان افراطی ترین بخش آن بیرون آمد. این تشکیل متعصب تروریستی، شدیداً مخالف اهل تشیع در ایران، پاکستان و افغانستان بوده و تا حال، با افکار " سلفی " و " دیوبندی " خویش، در اکثر اعمال تروریستی در منطقه نقش داشته است. رهبر " لشکر جهنگوی " ، پس از اکرام لاهوری، برای مدتی، " ریاض بصره " بود و بعد ها اشخاص دیگری بنام های " اجمل الیاس " و " ملک اسحاق " به میدان آمدند. " لشکر " مذکور تلاش دارد به وسیله راه اندازی اعمال تروریستی در خاک پاکستان، مقام های آن کشور را وادار سازد تا پاکستان را بعنوان تنها کشوری اعلان نمایند که در آن صرفاً مذهب سنی حکمفرما باشد.

این لشکر خون آشام، علاوه از سایر اعمال تروریستی اش، تاکنون (اواسط سال 2014 میلادی) یکبار در شهر کابل و هنگام برگزاری مراسم عاشورا در سال 2012م، انفجار بزرگی را در میان انبوهی از معتقدان اهل تشیع به راه انداخت که موجب مرگ حدود هشتاد نفر و جراحت بیشتر از دوصد تن دیگر گردید و بار دیگر، دو انفجار عظیم و پیهم در شهر کویته پاکستان و در میان جمعیت بزرگ اهل تشیع انجام داد. انفجار نخست در بازار اصلی شهر کویته در جنوب غرب پاکستان انجام داده شد که لااقل به تعداد نود نفر اعم از زنان و کودکان به هلاکت رسیده و بیشتر از دوصد تن دیگر زخم برداشتند. انفجار دومی در یک سالون بازی بلیارد باز هم در شهر کویته صورت گرفت که به تعداد نود نفر اهل تشیع را بکام مرگ سپرد. لشکر جهنگوی که از اندیشه های انحرافی و هابیسم و پطرو دالر عربستان سعودی سیرآب میشود، معتقد است که " اهل تشیع کافر و واجب القتل " هستند و بنابراین، با

شیعیان افغانستان، پاکستان و ایران نیز در دشمنی و خصومت شدید قرار دارد. چنانکه مسوولیت دو انفجار فوق الذکر را نیز همین گروه تبهکار رسماً بعهده گرفت.

## سپاه صحابه

این گروه بنیادگرای نوع وهابی نیز در تحت حمایت های مالی، نظامی و اطلاعاتی شبکه استخبارات ارتش پاکستان و رژیم وهابی عربستان سعودی بمیان آمده و شدیداً مخالف اهل تشیع میباشد. گروه مذکور تاکنون دست به قتل و ترور ده ها رهبر و روحانی شیعیان پاکستان زده و در بسا اقدامات تروریستی در قلمرو پاکستان، افغانستان و هندوستان نقش عمده داشته است. این شبکه تروریستی در جریان عملیات و اقدامات خونین علیه دیگران، تعدادی از رهبران خودش را نیز از کف داده است، مانند ضیا الرحمن فاروقی، اعظم طارق، شعیب ندیم و امثالهم. سپاه صحابه در عین حال، پشتیبان فعال گروه طالبان نیز بوده در سالهای امارت گروه مذکور در افغانستان و اشتراک مستقیم در جنگهای مسلحانه، مرتکب قتل و جنایت بیشماری علیه مردم افغانستان گردید.

## جیش محمد

این تشکیل مذهبی، در واقع، تند رو ترین بخش تروریستی در خاک پاکستان بوده و در سالهای 1999-2000 میلادی توسط (آی.اس.آی) پاکستان و در ظاهر امر، توسط شخصی بنام " مولانا مسعود اظهر" در شهر کراچی پاکستان بنیان گزارده شد. "جیش محمد" در ربودن هوا پیمای هندی در سال 1999 میلادی به قندهار و در دوران امارت گروه طالبان، آنهم طبق دستور و برنامه شبکه استخبارات نظامی پاکستان، نقش مستقیم داشت .

"پیتر تامسن" سفیر وقت امریکا نزد مجاهدین افغان، پیرامون حادثه اختطاف هوا پیمای هندی به قندهار، در صفحه (518) کتاب خویش (جنگ افغانستان) چنین مینویسد: " هواپیما نزدیک فرود آمدن به میدان هوایی قندهار بود. گل { جنرال حمید گل } یکی از دو عراده موتر آی.

اس. آی را قبل از به زمین نشستن هواپیما، میراند. کلونل {منظور جنرال حمید گل است} به کارمندان میدان دستور داد تا زینه را در یک سمت هوا پیما جابجا نمایند. گل از زینه ها بالا رفت و در مورد اختطاف کننده ها اطمینان حاصل کرد و چنان مشهود بود که آنان را می شناسد. وی از همانجا بالای یک تعداد کوچک عمه در پایین فریاد زد " آنها آب و غذا ضرورت دارند! " تعدادی از سربازان افغانی و پاکستانی که حمید گل را همراهی میکردند، بکسها را از داخل موترها بیرون آورده به زینه ها بالا بردند تا بداخل هوا پیما برسانند. بعداً سربازان افغان برای " منصور " گفتند که در میان بکسها، سلاح و ملحقات آن قرار داشت که در میان کاغذ های کهنه اخباری پيچانده شده بودند. اختطاف کننده ها، رهایی سه نفر از تروریستهای پاکستانی را تقاضا داشتند که در زندان هند محبوس بودند. یکی از آنها مولانا مسعود اظهر، سکرتری گروه تروریستی پاکستان بنام " حرکت المجاهدین " بود که در لیست سیاه وزارت امور خارجه امریکا بعنوان سازمان تروریستی ثبت شده بود.

گفته شده که این تشکیل تندرو مذهبی، در حملات تروریستی شهر بمبئی در ماه سپتمبر 2008م سهم عمده داشته و افراد آن، در داخل افغانستان نیز غرض خرابکاری و کشتار فرستاده میشوند. رابطه رهبران این گروه با القاعده، طالبان و سایر تشکلات تروریستی، بخصوص با " لشکر طیبه " در پاکستان و منطقه برقرار است. مولانا مسعود اظهر، دشمنی سنگین خودش را با امریکا و هندوستان پنهان نمیکند. (عین دشمنی بی که جنرال حمید گل و تیم خاص وی تا کنون به صورت عریان به نمایش گذارده اند) چنانکه مولانای مذکور پس از رهایی از زندان هند که درازاً رهایی هوا پیمای مسافر بری آن کشور در سال 1999م صورت گرفت، در اجتماعی از طرفداران خویش چنین گفت: " تازمانیکه هند و امریکا را نا بود نکرده ایم، مسلمانان نه باید در صلح و آرامش بمانند. "

(باز هم این، همان نظر و پالیسی بخش عمده بی از جنرالان نظامی پاکستان در برابر هند و امریکاست که از حنجره مولانای مذکور بیرون می جهد.)

## المجاهدين

این حزب سیاسی- مذهبی، کاملاً تحت رهبری (آی.اس.آی) پاکستان فعال بوده و عمدتاً در مناطق کشمیر و برضد نیرو های هندی می رزمند. رهبر " المجاهدین" شخصی است بنام " مسلم یوسف شاه " ملقب به پیر سید صلاح الدین. این تشکیل مذهبی - سیاسی - نظامی در عین حال، با حزب بنیادگرای " جماعت اسلامی پاکستان" در تماس دائمی بوده و هر دو در ارتباط تنگاتنگ با شبکه استخبارات نظامی پاکستان قرار دارند.

## لشکر طیبه

هرچند اسم و ماهیت " لشکر طیبه" در جلد اول این کتاب، دقیقتر توضیح داده شده است، ولی باز هم چون این " لشکر" تروریستی نیز در ردیف تشکلات سلفی و تروریستی قرار دارد که از آن ها در بالا نام بُردیم، پس بد نخواهد بود یکبار دیگر، در اینجا از آن سخن زنیم : لشکر طیبه اصلاً در سال 1980 میلادی توسط یک تن از عربهای (فلسطینی) بنام " عبدالله اعظم" (عظام) در شهر پشاور پاکستان تأسیس شد و در سالهای بعد و پس از فرود و فراز های فکری - سیاسی مخفی و علنی، سازمان تروریستی " القاعده" به رهبری اسامه بن لادن، از میان آن بیرون آمد. عبدالله اعظم (عظام) نیز عنصر و هابی رجعت گرا بوده و در سالهای جهاد مردم افغانستان، تحت حمایت (سی.آی.ای) و (آی.اس.آی) وسیعاً مشغول بکار بود.

در سال 1991م شعبه دیگری از این تشکیل و هابی - سلفی توسط " حافظ محمد سعید" در ولایت کنر افغانستان تأسیس شد. و عملیات خونینی را تحت رهبری (آی.اس.آی) پاکستان در هند انجام داده است. مثلاً، حمله خونین بالای ساختمان پارلمان هند و قلعه سرخ یا " لال قلعه" در دهلی جدید، کار این تشکیل بود. افراد و رهبران " لشکر طیبه" همه (سلفی - و هابی) بوده بدنه یی از حزب سیاسی- نظامی " دعوت الارشاد" شناخته میشود. شاخه



دیگر این حزب، در سال 1988م توسط " ظفر اقبال" و به همکاری " حافظ محمد سعید" در لاهور پاکستان تأسیس شد. حزب مذکور نیز پس از حملات تروریستی بالای یک هتل بزرگ در شهر بمبئی که به تعداد یکصد و شصت نفر را بکام مرگ سپرد، در لیست سیاه تروریسم نزد امریکا و سازمان ملل ثبت شد، ولی قرار معلوم، از مدتیست تحت اسم دیگری فعالیت میکند. کنگره امریکا در ماه مارچ سال 2010م، بگونه خاص روی موجودیت " لشکر طیبه" در منطقه به بحث نشست؛ زیرا " نیوزویک" قبل از آن به حکومت امریکا هشدار داده بود تا این گروه بسیار خطرناک را تحت نظر داشته باشد.

به اعتقاد برخی از کارشناسان امور سیاسی و تروریسم، " لشکر طیبه" در سالهای اخیر موفق شده به تکنالوژی جدید دسترسی یافته و مساعدتهای سرشار مالی از گوشه و کنار جهان را جمع آوری نماید. " اکرم" رییس کمیته شرق میانه و جنوب آسیا در کنگره امریکا، خطاب به اعضای کنگره گفت: " سرکوب کردن لشکر طیبه یک امر لازم میباشد... لشکر طیبه یک گروه کشنده افراطی است که از امکانات مالی خوب بهره مند است و با بعضی حلقات در اردوی پاکستان تماس نزدیک دارد... لشکر طیبه یکی از بزرگترین و غنی ترین گروه های افراطی در جنوب آسیا میباشد که اداره استخبارات نظامی پاکستان افراد آنرا برای جنگ در کشمیر تحت کنترل هندوستان پرورش داده است... " گفته شده که این گروه، به تعداد دو هزار دفتر در شهرهای پیشرفته پاکستان دارد. اقامتگاه رهبر این گروه در لاهور پاکستان، نه تنها توسط پیروان مسلح او شدیداً حفاظت میشود، بلکه مقام های امنیتی آن کشور نیز در حفظ جان وی تلاش بسیار میکنند. ایالات متحده امریکا، مبلغ ده ملیون دالر برای دستگیری " حافظ محمد سعید" تعیین نموده است. اما تاکنون در چنبر حمایت های بیدریغ امنیتی مقام های پاکستان، زنده و فعال میباشد.



حافظ محمد سعید رهبر جماعت الدعوة (لشکر طیبہ)

در رابطه با فعالیت گروه های سلفی و تکفیری باید علاوه نمود که این طایفه متحجر، در دوزخ تاریخی، با اساس برداشت ناقص و تعبیرات تند و متعصبانه از قوانین اسلام، کشتارها و جنایتهای عظیمی را در کشورهای مختلف اسلامی مانند یمن، لیبیا، تونس، پاکستان، افغانستان، سوریه، عربستان سعودی، مصر و جاهای دیگر مرتکب شده اند. این گروه تندرو، نه تنها بنام های " تبلیغی"، " تکفیری"، " وهابی"، " سلفی" و ... در کشورهای اسلامی فعالیت دارند، بلکه حتی در ممالک امریکایی و اروپایی نیز ره گشوده با پیراهن های دراز، موهای کشال، ریش های انبوه و طرز تفکر عقبگرایانه ضد علم و ضد تمدن، در مساجد، اماکن، منازل و هر محل دیگری که برایشان مقدور و میسر گردد، دست به فعالیت های تبلیغی، مذهبی و تکفیری می زنند. اینکه این طایفه چطور، با چه دلیل و کدام مدرک قابل قبول میتوانند وارد کشورهای پیشرفته اروپایی و امریکایی، آنهم غرض فعالیت های تبلیغی و تخریبی گردند و نیز، چسان پاسپورت، ویزه و سجد هویت آنها از سوی سفارتخانه ها و مقام های مهاجرتی مهیا میشود، سؤال اساسی بی است که جز محققان و افراد آگاه سیاسی، اذهان ساده نمیتواند پاسخی بدان دریابد.

آنچه ما درباره این تبلیغی ها میدانیم اینست : برای نخستین بار، " جماعت تبلیغی " را شخصی بنام " شیخ محمد الیاس کاندهلوی " در سال 1924 میلادی، به منظور گسترش مذهب حنفی دیوبندی (سلفی - وهابی) در شهر میوات هند تأسیس نمود. شیخ الیاس، شش شعار عمده دینی را به این ترتیب تعیین نمود تا برای گسترش آن تبلیغ صورت گیرد :

\* ادای کلمه شهادت یا شهادتین

\* ادای نماز پنجگانه

\* رعایت علم و ذکر ( ذکر همیشه گی خدا)

\* رعایت اکرام مسلمانان (تکریم مسلمانان)

\* اخلاص نیت (در هر کار فقط رضای خدا را در نظر داشتن)

\* خروج یا زمینه سازی برای تبلیغ دین

البته ظاهر مسأله از همین قرار بود و هست. اما شیخ محمد الیاس پیروانش را از دخالت در امور سیاسی و تماس با رسانه ها بازداشت. این موضوع، بویژه وقتی "جماعت" مذکور پس از جنگ دوم جهانی سربلند کرد، نزد اکثریت آگاهان سیاسی - اجتماعی، به سود سیاست های استعماری انگلیس تلقی گردید. همچنان انکشاف و گسترش بعدی این جماعت در سراسر جهان و برگزاری گردهمایی های چند ملیون نفری و پُرخرج آن در کشورهای مختلف، سؤال های زیادی را نزد مردم جهان ایجاد نمود.

باید این نکته را نیز یاد آور شد که یکی از مراکز مهم " جماعت تبلیغی "، در منطقه یی بنام " رائیوند " واقع در سی کیلو متری شرق شهر لاهور مرکز ایالت پنجاب پاکستان قرار دارد و بهمین اساس، گفته میشود محمد رفیق ترار سابق رییس جمهور پاکستان، محمد شریف ( پدرواز شریف) وحتا شخص نواز شریف از زمره اعضای همین جماعت اند. همچنان گفته

میشود که جنرال ضیا الحق دیکتاتور سابق پاکستان به تبلیغی‌ها اجازه داده بود تا در میان ارتش پاکستان فعالیت نمایند. بنابراین، همین اکنون صد ها افسر و عسکر ارتش آن کشور پیرو "جماعت تبلیغی" میباشند.

فعالیت‌های "جماعت تبلیغی" منحصر به دو کشور هند و پاکستان نبوده، بلکه در افغانستان، شرق ایران، اندونزی، بنگله دیش، برما، مالزی، تایلند، فلپین، ترکیه، جاپان، تانزانیا، اوگندا، زامبیا و غیره نیز در پناه حمایت‌های مالی و اطلاعاتی آل سعود، نفوذ دارد. این نکته نیز گفتمی است که منسجم‌ترین تشکیلات تبلیغی‌ها در خاک انگلستان وجود داشته و اکثریت برنامه‌های آنها از همانجا ترتیب و تنظیم میگردد. پیروان "جماعت تبلیغی"، مانند وهابی‌های عربستان سعودی، مخالف اهل تشیع، مخالف اشتراک زنان در امور اجتماعی و نیز، مخالف برجسته سازی قبور، برافراشتن "توغ" بالای آنها و دعا کردن در مزارات و امثالهم میباشند.

اما، بخش‌های دیگری از وهابی‌های مسلح و سلفی‌های تروریست و بی رحم، در نقاطی از جهان مانند عراق، پاکستان، سوریه، یمن، چین و افغانستان، دست به کشتارهای بیرحمانه، سربریدن‌های وحشیانه و مثله کردن‌های تکانه‌دهنده هزارها انسان تحت نام و شعار اسلام، شهرت نفرت انگیزی در سراسر گیتی کمایی کرده اند.

تذکر این نکته مهم نیز ضروریست که عناصر مشکوک و مجهول الهویه‌یی بنام "تبلیغی‌ها" از سال‌های حاکمیت امارت گروه طالبان تا روزهای اخیر، تمام ولایات و مناطق افغانستان را بدون هیچ مانعی "گز و پل" میکردند. وظیفه این "تبلیغی‌ها" ظاهراً سخنرانی و موعظه در مساجد پیرامون مسایل مذهبی - جهادی به سود خواستگاه بنیاد گرایی و درجهت همنوایی با القاعده و طالبان بود، اما از آنجایی که این عناصر، نه اسم و هویت مشخص دارند و نه اصل و مرجع تمویل کننده آنها به کسی معلوم است، بنابراین، تعداد زیادی از وطندوستان از این ناحیه دچار نگرانی شدید بوده شکایت از آن داشتند که هیچ

مرجع رسمی پُرسنده و مسوول در افغانستان سراغ نمیشد ( و نمیشود) تا چگونه گی این موضوع را روشن سازد .

## تحریک طالبان پاکستان

رهبر این گروه، بیت الله محسود از وزیرستان پاکستان بود که در سال 2009 میلادی با شلیک طیاره بی پیلوت امریکایی در منزلش به قتل رسید و متعاقباً، برادرش حکیم الله محسود به رهبری این گروه عقب گرای ضد ترقی و ضد دموکراسی رسید. باساس گزارش های منابع پاکستانی، حکیم الله محسود نیز به روز دوازدهم ماه جنوری سال 2012 میلادی، بازهم توسط شلیک هوا پیمای بدون سرنشین در وزیرستان پاکستان کشته شد.

تحریک طالبان پاکستان که با الهام از حرکت " طالبان افغانستان" و باساس برنامه مشترک استراتژیک امریکا و پاکستان و حمایت های پشت پرده برضد منافع ملی افغانستان بنیاد نهاده شد، پسانها، یعنی زمانیکه به توسعه بیشتر و ثروت زیادتیر دست یافت، با اثرپذیری از اندیشه های مذهبی دیوبندی و قسماً گرایش های قبیله یی، پشتونییستی و ضد پنجابی های حاکم، گهگاهی در برابر حکومت پاکستان نیز تمرد هایی نشان داد. ولی در هر حال، چون در نهایت، رشته حیات این تحریک ( سیاسی - نظامی - مذهبی) به دست جنرالان بر حال و متقاعد بخش استخبارات نظامی پاکستان قرار دارد، بنابراین، علیرغم فرود و فرازهای مقطعی میان حکومت مداران پاکستان و تحریک مذکور، به هیچ صورت مورد هجوم و سرکوب کامل نظامی قرار نخواهند گرفت. چنانکه از چند سال بدینسو، امریکایی ها، مقام های پاکستانی را ظاهراً تحت فشار قرار داده تا عملیات نظامی وسیع و قاطع علیه تحریک متذکره در وزیرستان شمالی را به راه اندازند، اما، حکومت مداران پاکستانی، با آنکه ملیونها دالر و دینار امریکا را به این منظور بدست آوردند، مگر هیچگاه به چنین عمل جنگی و سرکوبگرانه بگونه حقیقی آن اقدام نکردند. تنها نیمه های سال 2014 میلادی بود که بر بنیاد اهداف معین و ملحوظات خاص سیاسی، یکنوع " لشکرکشی" حکومت مرکزی پاکستان

بالای وزیرستان شمالی صورت گرفت. گزارشها حاکی از آن بود که مخارج این لشکرکشی را جانب ایالات متحده آمریکا بعهده گرفته بود، ولی آنچه در ببحوحه این تحرکات نظامی به بیرون درز کرد، این بود که مقام های نظامی پاکستان، تنها به سرکوب آن بخشهایی از طالبان و پناهگاه های آنها مبادرت ورزید که ترمرد ها و ضدیت شان علیه حکومت مرکزی آشکار شده بود. یا بعبارۀ دیگر، گروه ها و پایگاه هایی که ارتباط آنها با شبکه (آی.اس.آی) برقرار بود و از همین شبکه دستور می گرفتند، نه تنها که مورد حمله نظامی قرار نگرفتند، بلکه از قبل به جا های امن نیز انتقال داده شدند.

رهبران تحریک طالبان پاکستان، هم ظرف سالهای اخیر در فعالیتهای تروریستی علیه مردم افغانستان نقش داشته اند و هم در چهارچوب جغرافیای کنونی پاکستان، برضد رهبران احزاب مترقی و یا نیمه مترقی و منجمله، عوامی نشنل پارتی نیز مخالفت فکری و سیاسی بعمل می آورند و حتا اقدام به حذف فزیزی آنان میکنند. این نکته نیز گفتنی است که استراتژیست های نظامی پاکستان، به منظور تطبیق برنامه های فرا مرزی و بخصوص برنامه های ضد افغانی شان، در نظر دارند در موقع معین، طالبان هر دو سوی خط " دیورند " را بمثابة ابزار جنگی و سیاسی مورد استفاده قرار دهند.

باساس گزارش پایگاه " عکس و خبر " ایران، حکیم الله محسود رهبر گروه طالبان پاکستانی گفته بود که " هدف طالبان، پایان دادن به نظام دموکراتیک در این کشور است. " و این، همان هدف پنهانی است که برخی از نظامیان پُر قدرت پاکستان به شمول شبکه استخبارات نظامی آن کشور پیش رو دارند. بهمان اساس بود که در جریانات پیروسة انتخابات پارلمانی پاکستان که بتاريخ دوازدهم ماه می 2013م برگزار شد، گروه تروریستی مذکور دست به ترورها و انفجار های متعددی زد که در اثر آن، به قول مطبوعات پاکستان، حدود یکصد نفر هلاک شده و تعداد زیاد دیگری زخم برداشتند. گفتنی است که " تحریک طالبان " پاکستان، همان بخشها و جناح های سیاسی را هدف ترور، بم گذاری و انفجار قرار دادند که کمترین رابطه را با آی.اس.آی و نظامیان پاکستان داشتند.

## سپاه محمد

رهبران این تشکیلی مذهبی عبارت بوده اند از مولانا مرید زیدانی، غلام رضا نقوی و منور عباس علوی که مرکز آن در " توکرنیازیگ " واقع در حومه صوبه لاهور قرار دارد. گفته میشود که سپاه محمد حدود سی هزار عضو دارد. (البته این گفته ها، عموماً غیررسمی و غیر دقیق میباشد). این تشکیلی اسلامی، با رژیم جمهوری اسلامی ایران ارتباط تنگاتنگ داشته و هدف عمده آن، مبارزه علیه تند روی های تشکلات اهل تسنن و یا دفاع در برابر هستی و هویت اهل تشیع در خاک پاکستان میباشد.

## لشکر عمر

این تشکیلی مذهبی عقبگرا در ماه جنوری سال 2002 میلادی تأسیس گردیده با شبکه های تروریستی دیگر مانند لشکر جهنگوی، جیش محمد و حرکت الجهاد اسلامی مرتبط است. برخی از کادرهای لشکر عمر مانند قاری عبدالحی الیاس و قاری اسد الله الیاس تلحه در حمله تروریستی بالای یک کلیسا در بهاولپور پاکستان که به روز 28 ماه اکتوبر 2002م صورت گرفت، سهم داشتند که در نتیجه آن، به تعداد هفده نفر کشته شدند. گفته شد که همین ها در قتل دنیل پرل خبرنگار وال ستریت ژورنال در کراچی نیز دست داشتند.

## شبکه حقانی

نام این شبکه تروریستی در واقع، از نام شخص مذهبی متعصب و عقبگرایی بنام " جلال الدین حقانی " مشتق شده است. مولوی جلال الدین حقانی اصلاً از پشتونهای قبیله زدران بوده و در سال 1950 میلادی در میان همان قبیله به دنیا آمد. وی چند سالی را در مدارس مذهبی پاکستان سپری نموده و در سالهای جهاد ضد قشون شوروی، عضویت " حزب اسلامی مولوی یونس خالص " را حاصل کرد و مانند سایرین، علیه قشون اشغالگر شوروی در مناطق جنوبی افغانستان مانند ولایات خوست و پکتیا به جنگ پرداخت. مولوی حقانی،

پس از سقوط رژیم کودتای ثور و بقدرت رسیدن " تنظیم " های جهادی، بحیث وزیر عدلیه تعیین شد و بعداً به گروه طالبان پیوست و مدتی بحیث وزیر سرحدات و باز فرمانده گروه های مسلح طالبی و عربی و پاکستانی و .. غرض " فتح " شمالی مشغول شد.

تذکر این نکته هم جالب است که سازمان های استخباراتی " سی.ای.ای " ، " آی.اس.آی " ، سازمان جاسوسی عربستان سعودی و شیخ نشین های خلیج فارس در سالهای جهاد ضد قشون شوروی، با پول، سلاح، تبلیغات و کلیه امکانات فنی و سیاسی از مولوی حقانی حمایت میکردند. چنانکه " رونالد ریگان " رییس جمهور وقت امریکا در دهه هشتاد سده گذشته، او را به کاخ سفید پذیرفت.



ملا جلال الدین حقانی رهبر شبکه تروریستی حقانی

"حقانی" و شبکه تروریستی او به مرور زمان، نه تنها در آغوش سازمان استخبارات ارتش پاکستان فرورفت، بلکه مقام های جاسوسی پاکستان برای وی پایگاه و پناهگاه مطمئن توأم با کلیه امکانات مالی و جنگی در قلمرو آن کشور (وزیرستان شمالی) تدارک دیدند. چون مولوی مذکور به کبر سن دچار است، بنابراین، فرزند وی (سراج الدین حقانی) در پیشبرد عملیات و اقدامات تروریستی این شبکه از او نیابت میکند. گفته شده که مولوی حقانی و پسرش سراج الدین حقانی به کرات عازم عربستان سعودی میشوند و با کمکهای سرشار مالی بر میگردند. بعضی منابع، تعداد مجموعی افراد مسلح این شبکه را تا



چهار هزار نفر تخمین میکنند که در میان آنها، تروریستهای پاکستانی، عربی، چینی، ازبکی، بنگله دیشی و غیره وجود دارند. این پدر و پسر و افراد تحت امر آنها، از زمره تندرترین، تبه‌کارترین و فعال‌ترین بخش تشکلات تروریستی در پاکستان و در منطقه شناخته شده سلسله‌یی از عملیات خونین تروریستی مانند ترور هفت تن از کارمندان سی.آی.ای در خوست، قتل چهل نفر و زخمی نمودن حدود هشتاد نفر افغان در شعبه کابل بانک شهر جلال آباد، حمله انفجاری و پرتلفات بالای سفارت هندوستان در کابل، حمله موشکی بالای میدان هوایی بگرام، حمله مسلحانه بالای سفارت امریکا در شهر کابل، حمله مسلحانه بالای هتل بین‌المللی (انترکانتننتال) کابل، حمله مسلحانه بالای هتل قرغه در حومه کابل، شلیک موشک بالای میدان هوایی بگرام و ده‌ها عملیات تروریستی دیگر را منسوب به همین شبکه دانسته‌اند.

وقتی مقام‌های امریکایی در سال 2012 میلادی، شبکه حقانی را در لیست سیاه سازمان ملل گنجانید و آنرا از گروه‌های تروریستی خطرناک و "خانواده‌ای از جنایتکاران و قاچاقچیان مرزی" خواند، در عین حال، حکومت پاکستان را نیز متهم به حمایت سیاسی و لوژستیکی این شبکه نمود. پس از آن بود که "حنا ربانی کهر" وزیر امور خارجه پاکستان، این شبکه تروریستی را "پسران چشم‌آبی سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (سی‌آی‌ای)" نامید و گفت: "اگر قرار باشد پاکستان در باره پیوند با شبکه‌های تروریستی صحبت کند، در نتیجه باید سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (سیا) نیز در باره ارتباط خود با بسیاری از سازمان‌های تروریستی توضیح دهد..."

این تذکر وزیر امور خارجه پاکستان در حقیقت، اشاره کوچک به هزارها رمز و راز فی مابین دو شبکه استخباراتی ("سیا" و "آی اس آی") و در عین حال، اخطار ظریفانه‌یی به جانب امریکا بود تا بیشتر از آن پاکستان را تحت فشار قرار ندهد. ورنه، گویا رازهای سر به مهر بیشتری را افشا خواهند نمود. گفته شده که شبکه حقانی در عین حال، با بخشهای دیگر تروریسم منطقه مانند "شورای کویته"، حزب اسلامی گلبدین، "شورای میرامشاه"

در غرب پاکستان، طالبان پاکستانی و امثالهم در ارتباط و همسویی فکری و عملیاتی قرار دارد. گفته میشود که شبکه حقانی و همکارانش، نیروهای تندرو و بیرحم زیادی را در افغانستان و پاکستان جذب نموده و اکثر عملیات انتحاری و ترور افراد مهم دولتی و غیر دولتی، کار همین شبکه میباشد.

در سال 2012م، تعدادی از اعضای کانگروه امریکا به افغانستان سفر نمودند و پس از یک مطالعه و تحلیل دقیق اوضاع، ضمن ارسال نامه یی عنوانی وزیر امور خارجه امریکا گفتند که " سفر آنها به افغانستان، نگرانی های مقامات استخباراتی {افغانستان} در مورد شبکه حقانی را تأیید کرده و به آن ها روشن شده است که آی. اس. آی در حملات تروریستی دست دارد."

مقام های امریکایی، پس از آنکه در سال 2012م شبکه تروریستی حقانی را شامل فهرست سازمانهای تروریستی نمودند، اعلام کردند که هر فردی که معلومات در مورد دستیابی به سراج الدین حقانی پسر جلال الدین حقانی را برای شان مهیا سازد، وجه پنج میلیون دالربعنوان جایزه پرداخت خواهند کرد. این جایزه پنج میلیون دالری (البته بصورت جداگانه) شامل افراد دیگر مربوط به شبکه مذکور مانند عزیز حقانی، خلیل الرحمن حقانی، یحیی حقانی و عبدالرووف ذاکرنیز میشود. اما آنچه مسلم است؛ اینست که رهبران شبکه تروریستی حقانی شدیداً تحت حمایت سازمان جاسوسی ارتش پاکستان است و تا وقتی که امریکا مقام های استخباراتی پاکستان را تحت فشار شدید و مصممانه قرار ندهد، دشوار خواهد بود به رهبران مورد نظر، به زودی و آسانی دست یابد.

مقام های امریکایی علاوه از تروریستهای ذکر شده، افراد آتی را نیز شامل فهرست سیاه نموده و برای دستگیری آنها جایزه های چند میلیون دالری تعیین کردند:

\* ایمن الظواهری رهبر سازمان تروریستی القاعده پس از اسامه بن لادن وجه 25 میلیون دالرامریکایی.

\*علی سعد بن علی الحوری که متهم به بمب گذاری و قتل نزده نفر امریکایی در " ظهران " عربستان سعودی، مبلغ 5 میلیون دالر.

\* ابراهیم صالح الیعقوب متهم به بمب گذاری در برجهای " الخبر"، مبلغ 5 میلیون دالر امریکایی.

\* عبدالکریم حسین محمد الناصر متهم به قتل شهروندان امریکایی، مبلغ 5 میلیون دالر

\* احمد ابراهیم المغسل متهم به بمب گذاری در برجها ی الخبر

\* عدنان ج. شکری جمعه متهم به حمله به اهداف امریکا و انگلیس وجه 5 میلیون دالر.

این درحالی بود که خبرگزاری بی بی سی از قول وبسایت " ویکیلکس " درماه جولای 2015م نوشت که " نصیرالدین حقانی پسر جلال الدین حقانی رهبر شبکه موسوم به " حقانی " در 15 فبروری سال 2012م با عبدالعزیز الغدیر سفیر سابق عربستان سعودی در اسلام آباد پایتخت پاکستان دیدار داشته است."

باید متذکر شد که قرار گزارشهای منابع ناتو و امریکا، شبکه حقانی حملات و عملیات زیادی را علیه نیروهای خارجی و دولتی افغانستان وبخصوص حمله بالای هتل بین المللی کابل، حمله بالای سفارت امریکا در کابل و اهداف دیگر انجام داده است .

احزاب و گروه های بنیادگرای تروریستی را که در بالا از آنها نام بردیم، خارج از چارچوب احزاب رجعت گرای مذهبی پاکستان مانند جمعیت العلمای اسلام، جماعت اسلامی ابوالاعلی مودودی (شامل شاخه های انشعابی آن )، جمعیت العلمای پاکستان، مسلم لیگ (شامل شاخه های انشعابی آن) و غیره میباشد.

تسلسل و تبارز "تنظیم" ها و "جماعت" ها، " تحریک " های " اسلامی و جهادی" و گروهک های تروریستی در این سالها در خاک پاکستان چنان بالا گرفت که هر ملا و هر مفتی و یا هر کلان قوم یا رهبر هر قبیله، با داشتن ریش دراز و عمامه و موهای بلند و گزینش نام و نشان عربی یا اسلامی، بدست آوردن دالر و دینار و چند میل سلاح، به آسانی میتوانند

درچنان هوا و فضای تیره و اما مساعد برای اخاذی، زراندوزی، تروریسم، شهرت طلبی و کشتار انسانهای بیگناه، دسته و گروه خودش را بسازد و با مراجعه به شبکه‌ی آی.اس.آی پاکستان و دست بردن بدامن سخاوت ریز عربستان سعودی و سوءاستفاده از جهالت مردم محل و منطقه، به گسترش و تقویت " کارنامه " های خونین و اندیشه های زهرآگین خود بپردازد. بهمین سلسله است که اشخاصی مانند " بیت الله محسود"، " حکیم الله محسود"، " مولوی نذیر"، " حفیظ گل بهادر"، "مولانا صوفی محمد"، " قاری زین الدین محسود"، " مولانا فقیرمحمد"، " سراج الدین حقانی"، " ملاعمر"، "مولانا فضل الرحمن"، "مولانا مسعوداظهر"، " مولوی فضل الله"، "مولانا سمیع الحق"، " حافظ محمد سعید"، " عمر خالد"، "حاجی ترکستان بهتانی"، "حاجی نامدار"، قاری عبدالحی الیاس، مولانا مرید زیدانی، غلام رضا نقوی، مسلم یوسف، فضل الرحمن خلیل، قاری سیف الله، اعظم طارق، شعیب ندیم و امثالهم، تشکلات تروریستی شان را در میان قبایل و شهر های کراچی، کوئته، لاهور، پشاور و تا نواحی مرز میان افغانستان و پاکستان ... گسترانیده اند. اینها، گویا مجموعاً مصمم هستند تا آخرین توش و توان شان علیه هستی ملت افغانستان و هر نوع اسم و رسم آزادی، ترقی، دموکراسی و انسانیت برزنند. در یکی از گزارشهای محرمانه " ناتو " که بعداً از طریق برخی رسانه های افغانی نیز در ماه حوت سال 1390 خورشیدی به نظر رسید، گفته شد که : " طالبان در افغانستان از کمک مستقیم سازمان های امنیتی و استخباراتی پاکستان بر خوردار میشوند و حمایت از مخالفین حکومت در افغانستان نیز رو به افزایش بوده است ... " در گزارش مذکور همچنان آمده که : " بر اساس اطلاعات کسب شده از بیست و هفت هزار فقره بازجویی از بیش از چهار هزار تن از افراد طالبان، شبکه ی القاعده و سایر گروههای خارجی حاضر در جنگ افغانستان که به اسارت نا تو در آمده بودند، تهیه شده . پرسیده گان گفته اند که منابع دولتی پاکستان از محل استقرار رهبران ارشد طالبان به خوبی آگاهند. گزارش " ناتو " برای نخستین بار بگونه بسیار دقیق، جزئیات روابط بین آی. اس. آی و طالبان را آشکار ساخته میگوید که " بهره برداری پاکستان از رهبران ارشد طالبان همچنان و بدون وقفه ادامه دارد... "

مقام های امنیتی افغانستان در ماه دسامبر نوشتند که : " شخصی که چندی قبل با واسکت {جلیقه} ی حامل بمب انتحاری در ولایت ننگرهار دستگیر گردیده بود، اعتراف کرده است که جنرال حمیدگل، مدرسه ای را که در آن افراد به حملات انتحاری تشویق و آماده میشوند، تمویل مینماید. منبع اطلاعاتی افغانستان، اسم این تروریست را " جنرول فرزند جهانگیر" معرفی نموده و از قول وی گفتند که " شخصی به اسم مولوی گل ولی تبعه ی پاکستان که در مدرسه ی هاشمیه معلم است و {در تلقین و آموزش} افراد انتحاری فعال میباشد و در مدرسه ی مذکور حدود پنجمصد تا ششصد نفر مشغول آموزش هستند. " (53)

" شبکه اطلاع رسانی افغانستان" در یک گزارش ماه میزان سال 1388 خورشیدی خویش از قول عبدالرحیم وردک وزیر دفاع رژیم حامد کرزی نوشت که " هزاران تن از نیرو های خارجی وارد افغانستان شده اند تا طالبان را تقویت کنند. . . حدود چهار هزار نیروی خارجی از کشورهای مختلف از جمله آفریقای شمالی و پاکستان به نیرو های طالبان و القاعده {در} افغانستان پیوسته و در این کشور عملیات های مسلحانه انجام میدهند..."

شبکه اطلاع رسانی افغانستان همچنان از قول روزنامه " گلوبل اندمیل" کانادا نوشت که : " مولوی نورمحمد یکتن از رهبران حزب جمعیت العلمای اسلام و حامی آشکار طالبان در کویته میگوید؛ از بسکه تعداد مدارس تحت اداره ی این حزب زیاد است، او رقم دقیقی آنرا فراموش کرده است . . . تعداد مدارس تحت اداره حزب ما اکنون به هزار ها میرسد و حدود چهارصد الی پنجمصد باب آن تنها در کویته موقعیت دارد. . . " (54)

اسمای یک تعداد دیگری از مدارس و تشکلات مذهبی - تروریستی پاکستان و موقعیت های آنها در قلمرو پاکستان از اینقرار است :

جامعه الزهرا ( برای خواتین) و جامعه اهل حدیث

دارالعلوم کورنگی در کراچی

مدرسه عربیه در کراچی

مدرسة احسان العلوم در كراچى

جامعة دارالخير در كراچى

مدرسة دارالعافية در كراچى

جامعة بنوريه در كراچى

جامعة ابى بكرالسلاميه در كراچى

جامعة فاروقيه در كراچى

جامعة اشرفيه در پشاور

جامعة نعيميه در لاهور

خيرالمدرس در ملتان

دارالعلوم در ملتان

دارالعلوم حقابنه در اكوره ختك

جامعة اسلاميه در بهاولپور

مركز تعليمات اسلامى

مدرسة عربيه

مظهرالعلوم

مدرسة البنات

جامعة خاروقيه

دارالعلم امجديه در كراچى

المنتظر در لاهور (مربوط اهل تشيع)

جامعه اهل بیت در اسلام آباد ( مربوط اهل تشیع )

مدرسه مومن

مدرسه آیت الله حکیم در راولپندی ( مربوط اهل تشیع )

مدرسه مشاع العلوم در حیدر آباد

مدرسه امام صادق در کویته ( مربوط اهل تشیع )

مدرسه تحفظ القرآن در کراچی

مدرسه تعمیل القرآن در کراچی

تحریک جعفریه در راولپندی

حرکت المجاهدین بهاول پور در پنجاب

مدرسه نظامیة بهاول پور در پنجاب

جامعه محمودیه تجدید القرآن در لاهور

تحریک جعفریه در ملتان

امام بارگاہ تحریک جعفریة پاکستان در سرگودھا

نعمت العلوم اسلامیہ در فیصل آباد

خلافت راشدہ در فیصل آباد

حرکت الانصار در فیصل آباد

مسجد صدیقیہ مربوط سپاہ صحابہ در لاهور

سپاہ صحابہ در بہاولپور

تحریک جعفریہ در بہاولپور

سپاه صحابه جناح مولانا اعظم طارق در فيصل آباد

تحریک جعفریة پاکستان در گوجرانوالہ

العصر اسلامی در لاهور

دفتر حرکت الانصار در سرگودھا

جوانان شیعہ، طلبہ اسلامی

تحریک نفاذ شریعت در ملاکند

امامیہ ستودنتس ارگنائزیشن در دیرہ اسماعیلخان

حرکت الانصار در میران شاہ

جامعہ العربیہ المفت العلوم در حیدرآباد

خدمت خلق فاوندیشن در حیدرآباد

حزب المجاہدین

تحریک مجاہدین در جمو و کشمیر

تحریک المجاہدین جمو و کشمیر

العصر مجاہدین در جمو و کشمیر

شیران خدا در جمو و کشمیر

جمعیت علمای حدیث بہ رہبری قاضی عبدالقدیر خاموش

مرکزی جمعیت اہل حدیث بہ رہبری حافظ زبیر احمد ظہیر

جمعیت اہل حدیث بہ رہبری مولانا عبدالغفور روپری

جمعیت مشایخ بہ رہبری پیر فضل حق



پاکستان شیعہ پارٹی به رهبری نوبهارشاه

جمعیت اهل حدیث به رهبری مولانا معین الدین لاخوی

تحریک اسلامی پاکستان به رهبری پروفیسور طاہرالقادری

جماعت اهل حدیث

جمعیت علمای اسلام به رهبری مولانا اجمل قادری

جامعہ امداد العلوم به رهبری مولانا حسن جان

جامعہ حقانیہ در اکوره ختک به رهبری مولانا سمیع الحق { پدراطالبان }

جامعہ محبت خان به رهبری مولانا محمد یوسف قریشی

جامعہ ایثارالحق به رهبری مولانا ذاکر فیروز

جامعہ سپاه خدا به رهبری مولانا اکبر رند

اهل سنت (شامل فرقه های بریلویان، دیوبندیان و اهل حدیث)

و جامعہ سرفروشان اسلام به رهبری مولانا محمد قاسم قدس. (55)

همچنان، تشکلات و سازمانهای تروریستی دیگری نیز در خاک پاکستان توسط شبکه استخبارات نظامی آنکشور، با تمویل مالی کشورهای خارجی مانند عربستان سعودی، اسرائیل، امریکا، انگلیس، ایران و سایر مؤسساتی که ریشه فکری در مدرسه دیوبند قاره هند دارند، هریک از آنها، نه تنها همانند سلسله زنجیری با سایر سازمانهای تروریستی مرتبط است، بلکه در حملات و تحریکات خونین در پاکستان، افغانستان، هند و سایر مناطق تداخل فعال دارند که اینک، از یکتعداد آنها در اینجا نام میبریم :

جماعت الدعوه

جماعت الانصار

خدام الاسلام

الاختر ترست

الرشيد ترست

البدر : در ماه جون سال 1998 م ايجاد گرديد. عمدتاً در جمو و کشمير به سود منافع پاکستان فعال است.

لشکر جبار : در سال 2001 ميلادی تأسيس گرديد و در مناطق جمو و کشمير به نفع پاکستان می جنگد

لشکر اسلام

سپاه محمد

لشکر عمر

جماعت الفقرا

ندیم کماندو

حرکت المجاهدين اسلامی

جماعت المجاهدين

البرق

الجهاد

مسلم جانباز فورس

کشمير جهاد فورس

العمر مجاهدين

اسلامی جماعت طلبا

جبهه محصلين برای آزادی

الاخوان المجاهدين

تحريك حریت کشمير

جنگجویان آزادی المصطفی

مخاذا اسلامی انقلابی

" اطلاعات هفتگی " ایران، مطلبی را مبنی بر مدارس تروریست پرور پاکستانی در ماه جولای 2015م به نشر رسا نید که ما اینک، بخشهایی از مطلب نشر شده را در اینجا نقل میکنیم: " در پاکستان، "مدرسه" های مذهبی استعداد خاصی در پرورش تروریست دارند. دولت از این مشکل آگاه است؛ اما موضع ثابتی در قبال مدرسه ها اتخاذ نمیکند. بعد از حمله دسامبر سال گذشته به مدرسه ای در پشاور، دولت، قانونمند سازی مدرسه ها را در اولویت قرار داد. اما ماه گذشته وقتی پرویز رشید، وزیر اطلاع رسانی، علیه مدرسه ها صحبت کرد، حتی یک نفر از اعضای دولت از او حمایت علنی نکرد... این برخورد متناقض یک شبه شکل نگرفته است. ریشه بنیاد گرایی در پاکستان به زمان نخست وزیران اسبق این کشور، ذولفقار علی بوتو و ضیاح الحق باز میگردد که قصد داشتند این کشور را صبغه اسلامی بدهند. سیاست آموزشی ضیا الحق که در سال 1979 تصویب شد و هنوز در کتاب های درسی این کشور قابل مشاهده است، برنامه درسی را حول مذهب شکل میداد... { در } وضعیت امروزی، تندرو های مذهبی قدرتمند تر شده اند و مدرسه های پاکستان ایدئولوژی های افراطی را ترویج میکنند... در سال 1947 که پاکستان بنا نهاده شد، تنها 189 مدرسه در این کشور وجود داشت. اکنون چیزی بین 20 تا 40 هزار مدرسه در این کشور فعال هستند که بین 1.8 تا 3.5 میلیون کودک را آموزش میدهند... نگاهی به برنامه درسی این مدرسه ها به خوبی نشان دهنده ذهنیت نا بردبار پشت آنهاست و به خوبی نشان میدهد پاکستان به کدام سمت میرود. به جای مطالعه ریاضی، علوم تجربی، انشا و درک مطلب، دانش آموزان بیشتر روز را صرف حفظ متون افراطی، خواندن سرود های

جنگ و مبارزه و ستایش از دولت میکنند... کودکان {درمدرسه های افراطی} از ارتباط با جهان خارج منع میشوند و به آنها افراط مذهبی، نفرت از غیر مسلمانان و اندیشه های ضد غرب و ضد دولت پاکستان آموخته میشود..."

دریکی از مقاله های تحقیقی که توسط یک دیپلمات سابق و آگاه سیاسی افغانستان بنام " احمد سعیدی" نگاشته شده است، تعدادی از مدارس دینی تروریست سازدرايالت های پاکستان را چنین بیان میدارد: تعداد مدارس تنها در ایالت پنجاب، به 2715 باب بالغ میشود که از آن جمله، 1333 باب آن مربوط به بریلوی ها، 1069 باب آن متعلق به دیوبندی ها، 192 باب آن مربوط به اهل حدیث و 113 باب باقیمانده آنها به اهل تشیع تعلق دارند و تعداد طلاب درمدارس بریلوی ها به 117931 نفر، درمدارس دیوبندیها 99907 نفر، درمدارس اهل حدیث 29947 نفر و طلاب اهل تشیع به 5430 تن بالغ میگردد که به این حساب، تعداد مجموعی طلاب دینی پاکستان تنها در ایالت پنجاب، بالغ بر 253215 نفر میشود.

وی همچنان مینویسد که درشهر لاهور، تعداد مدارس دینی عبارت اند از 356 باب با 47634 شاگرد، در گوجرانواله 154 باب با 17437 شاگرد، در راولپندی 186 باب با 19358 طلبه، در فیصل آباد 124 باب با 11300 شاگرد، در سرگودها 164 باب با 14255 طلبه، در ملتان 363 باب با 23500 شاگرد، در دیره غازی خان 397 باب با 29511 طلبه و در بهاولپور 968 باب با 80023 شاگرد.

آنچه در بالا نام بُرده شد، نمونه بسیار کوچکی از هزاران مرکز و مدرسه مذهبی – تروریستی عقب گرا و ظلمت گستر در خاک پاکستان است که اگر اسمای همه آنها فهرست شود، اصطلاحات مذهبی و نام ملا ها، مفتی ها و مولانا های مفتخوار و خادمان شبکه استخبارات ارتش پاکستان به هزارها خواهد رسید.

پرویز هودبهایی، فیزیکدان و نویسنده پاکستان میگوید: " بزرگترین تهدید علیه پاکستان، نظام آموزشی اسفبار این کشور است . "

گزارش های ماه جوزای سال 1390 خورشیدی افشا کردند که شخصی بنام " مولوی نذیر " یکی از فرماندهان گروه طالبان پاکستانی به رسانه ها گفته است که: " در پاسخ به حمله های هواپیما های بدون سرنشین امریکایی در پاکستان، جنگجویان زیادی را برای جنگ و انتحار به افغانستان میفرستد. زیرا چاره دیگری برای مبارزه با حمله های هواپیما های امریکایی ندارد . "

مقام های امنیتی افغانستان در اوایل سال 2013م رسماً افشا نمودند که شبکه استخبارات نظامی پاکستان، یکباردیگر در آستانه فصل تابستان، گشایش دفتر رسمی گروه طالبان در قطر و تحویلدهی مسوولیت های امنیتی برای نیرو های افغانی، درب هزارها مدرسه مذهبی تروریست پرورد خاک آن کشور را بسته و طلبه های آنرا پس از آموزش دهی در مناطق " میرامشاه "، به مقصد جنگ علیه افغانها و انجام دادن عملیات تخریبی و انتحاری در خاک افغانستان می فرستد. چنانکه سلسله حملات مسلحانه تروریستی و عملیات انتحاری و انفجاری در ماه های اول سال 2013م در شهر کابل و سایر ولایات افزایش یافته بود.

والی میدان وردک در یک جلسه شورای امنیت ملی افغانستان در ماه جون سال 2013م گفت که " وضعیت این ولایت قناعت بخش نیست ... جنگجویان پاکستانی از مناطق وزیرستان زیر نام گروه طالبان برای اخلاص امنیت این ولایت دست به کار شده اند. این جنگجویان در ولسوالی {شهرک} های "جغتو"، "چک" و "دایمیر داد" بصورت گروهی سرازیر شده اند... حدود دوصد تن از اعضای ارتش و سازمان جاسوسی پاکستان، برای فعالیت های خرابکارانه در ولسوالی های ولایت میدان وردک جابجا شده اند... "

(ادامه دارد)